

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۱-۲۴

بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان یافته در استان لرستان

حمیدرضا کرمی و فیروز دریکوندی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۲

چکیده

طی دو دهه گذشته، روند اسکان خودجوش عشایر در استان لرستان نسبت به کل کشور از سرعت بالاتری برخوردار بوده است. از آنجا که موفقیت و پایداری طرح‌های اسکان در گرو توجه به شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه عشایری و ارتقای سطح آنهاست، هدف تحقیق حاضر بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان عشایر در وضعیت خانوارهای اسکان یافته استان لرستان بود. نوع تحقیق، ارزشیابی تأثیر به روش پیمایشی بوده، جامعه آماری آن ۲۹۲۵ خانوار عشایری اسکان یافته (هدایتی و خودجوش) و ۱۴۶۳۸ خانوار عشایر کوچنده لرستان را دربرمی‌گرفت. حجم نمونه برای عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده (گروه شاهد) هر کدام ۱۸۰ خانوار تعیین و نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌بندی شده منظم در سال ۱۳۹۱ انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اسکان عشایر بر نرخ باسوادی، میزان زمین زراعی، تعداد واحد دامی، نوع شغل، سطح

* به ترتیب، نویسنده مسئول و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان (hamidkarami75@yahoo.com)؛ و کارشناس ارشد مدیریت و پژوهشگر مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان.

برخورداری از امکانات فرهنگی- اجتماعی، سطح برخورداری از امکانات بهداشتی- درمانی، سطح برخورداری از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای خانوارهای عشایر اسکان‌یافته تأثیر مثبت و بر وضعیت اشتغال و میزان درآمد آنها تأثیر منفی داشته است.

کلیدواژه‌ها: اسکان عشایر، ارزیابی اثرات، لرستان (استان).

مقدمه

طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، برنامه‌های راهبردی برای سامان‌دهی به کوچ و اسکان داوطلبانه عشایر با تأکید بر تجهیز و تقویت کانون‌های مستعد توسعه به منظور ارتقای کیفیت زندگی، برخورداری از خدمات تولیدی، زیربنایی و اجتماعی، و ایجاد تعادل‌های زیست‌محیطی در زیست‌بوم‌های عشایری اجرا شد. همچنین، در برنامه پنجم، مقرر شد که پنجاه مجموعه عمرانی که هر مجموعه دو هزار خانوار را تحت پوشش قرار می‌دهد، ایجاد شود. هدف از ایجاد مجموعه‌های عمرانی تبدیل تدریجی اقتصاد دامداران متحرک (عشایر) به زندگی کشاورزی و دامداری توأم بوده و بر لزوم مشارکت نمایندگان و معتمدان دامداران متحرک در ایجاد این مجموعه‌ها تأکید شده است (آقاسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵).

بررسی عملکرد سیاست‌های اتخاذشده در این زمینه طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که به‌رغم برخی اقدام‌های صورت‌گرفته در مناطق عشایری کشور و دستاوردهای آن، اهداف مورد نظر کمتر از میزان پیش‌بینی‌شده محقق شده است، به‌گونه‌ای که تا پایان سال ۱۳۸۸، تنها ۷۵۴۱۴ خانوار عشایری در کانون‌های توسعه اسکان یافته‌اند (دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، ۱۳۹۱).

استان لرستان، به‌دلیل شرایط اقلیمی مناسب، از دیرباز در زمینه دامپروری جایگاهی مناسب داشته است. این استان با برخورداری از تنها ۱/۷۳ درصد از وسعت کشور، حدود ۶/۵ میلیون واحد دامی (۵/۵ درصد از جمعیت دامی کشور) را در خود جای داده و دارای رتبه ششم در

بین استان‌های کشور است. با این همه، نتایج سرشماری عشایر کوچنده طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که طی این دوره، جمعیت عشایری کشور حدود سه درصد افزایش یافته، در حالی که جمعیت عشایری استان لرستان ۲۳ درصد کاهش داشته است.

جدول ۱- جمعیت عشایر لرستان و تحولات آن

سال	خانوار لرستان	جمعیت لرستان	خانوار کشور	جمعیت کشور	سهم خانوار بیلاقی استان به کشور	سهم جمعیت بیلاقی استان به کشور
۱۳۶۶	۱۷۱۸۶	۱۰۹۱۳۶	۱۸۰۲۲۳	۱۱۵۲۰۹۹	۹/۴۷	۹/۵۳
۱۳۷۷	۱۵۹۳۳	۱۰۶۶۰۶	۱۹۹۹۳۰	۱۳۰۴۰۸۹	۸/۱۷	۷/۹۷
۱۳۸۷	۱۴۶۳۸	۸۳۷۳۹	۲۱۲۶۶۰	۱۱۸۶۸۳۰	۷/۰۶	۶/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸)

در عین حال، بالا بودن تراکم دام در مراتع استان و تخریب و فقیر شدن مراتع، و دیگر عوامل اقتصادی- اجتماعی سبب شد تا روند اسکان عشایر در استان لرستان نسبت به کل کشور از سرعت بالاتر برخوردار باشد. با این همه، در واقع، در کل پایگاه‌های اسکان هدایتی استان که توسط اداره کل امور عشایر در شهرستان‌های کوهدشت، الیگودرز و ازنا برنامه‌ریزی و مدیریت شده‌اند، تنها ۱۵۰ خانوار عشایری اسکان یافته‌اند و اسکان بقیه آنها که اکثریت اسکان‌یافتگان را تشکیل می‌دهند، به صورت خودجوش (بدون برنامه‌ریزی) بوده است (اداره کل امور عشایر لرستان، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

آنچه اسکان عشایر را در استان لرستان فارغ از روند سریع آن تا حدودی مبهم و قابل تأمل کرده، اسکان خودجوش (بدون برنامه) عشایر است. در این نوع اسکان، عشایر بر اساس منابع و امکانات خود در روستاهایی که وابستگی اجتماعی یا اقتصادی دارند، ساکن شده و سازمان امور عشایر و دست‌اندرکاران اسکان در این زمینه نقشی نداشته‌اند و در

بیشتر موارد، حتی از اسکان عشایر بی اطلاع هستند. آنچه مسلم است، برای پایداری و موفقیت طرح‌های اسکان عشایر، ایجاد اشتغال پایدار و درآمد مناسب، دسترسی به خدمات ضروری و حمایت‌های مالی و زیربنایی به همراه مکان‌یابی مناسب محل استقرار عشایر از اهمیت ویژه برخوردار است. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی ناشی از اسکان بر وضعیت خانوارهای اسکان‌یافته و ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی آن می‌پردازد.

در زمینه سامان‌دهی و اسکان عشایر، دیدگاه‌های نظری مختلف تأثیرگذار بوده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نوسازی، شهرنشینی و مهاجرت، تغییرات اجتماعی، عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی، راهبردهای زیست‌محیطی، و توسعه پایدار (دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، ۱۳۹۱). با توجه به ماهیت و هدف تحقیق حاضر که در پی ارزیابی نتایج اجرای طرح اسکان است و نه تحلیل روابط علی مؤثر بر اسکان، در ادامه، به نتایج آن دسته از پژوهش‌هایی که در چارچوب «تحقیقات ارزیابی» انجام شده‌اند، می‌پردازیم. منظور از تحقیقات ارزیابی تهیه شواهد عینی، منظم و جامع در مورد میزان موفقیت برنامه‌ها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و میزان نتایج به دست آمده و پیش‌بینی نشده است. بنابراین، تحقیقات ارزیابی، تحقیقات کاربردی است که با تحقیقات بنیادی، مانند تحقیقات تبیینی که هدف آن یافتن روابط علی موجود بین پدیده‌های اجتماعی با طرح و آزمودن فرضیه‌ها و نظریه‌هاست، فرق دارد (پناهی، ۱۳۷۲: ۷۷). بنابراین، با توجه به فراگیر بودن دیدگاه توسعه‌ای در ارتباط با جامعه عشایری، چارچوب نظری پژوهش حاضر ارزیابی تأثیر نوع سکونت بر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای عشایری اسکان‌یافته است.

در تبیین ناکامی‌های اسکان عشایر لرستان، متولیان استانی بر این باورند که اجرای این طرح ملی به دلایل مختلف تاکنون چندان توفیق نداشته است. داوطلبانه بودن اسکان دائم

عشایر از مهم‌ترین دلایل کند بودن اجرای این طرح عنوان می‌شود (اداره کل امور عشایر لرستان، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در ایران، دولت از اسکان عشایر با تمهیداتی چون اعطای وام یا بنای مسکن پشتیبانی می‌کند؛ اما این شیوه‌های حمایتی غالباً با شکست همراه بوده‌اند، زیرا تنها نقاط معدودی از زاگرس دارای منابع طبیعی مناسب و کافی برای یکجانشینی و فعالیت کشاورزی و دامداری پایدار است (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۵۸). توکلی و ضیاءتوانا (۱۳۸۸: ۸۱) در تحقیق خود نتیجه‌گیری کرده‌اند که اسکان عشایر با کاهش شدید دام به‌عنوان منبع اصلی درآمد همراه بوده و موجب بیکاری و افزایش مهاجرت‌های فصلی به منظور تأمین معاش خانوار شده است.

در مقابل، نتایج پژوهش باقری (۱۳۸۲: ۱۲۲) نشان می‌دهد که اسکان به کاهش بعد خانوار، کاهش نرخ مهاجرت، کاهش تعداد دام، افزایش درآمدها، تغییر در ترکیب درآمدها و هزینه‌ها، کاهش نقش دامداری در اشتغال و درآمد خانوارها، افزایش نقش فعالیت‌های کشاورزی و خدماتی در اشتغال و درآمد خانوارها، بهبود دسترسی عشایر به مراکز آموزشی و بهداشتی درمانی انجامیده است. همچنین، نتایج تحقیق قائمی میرآباد (۱۳۸۴: ۱۱۵) در مورد اثرات اجتماعی و اقتصادی اسکان عشایر استان آذربایجان غربی نشان‌دهنده معنی‌داری رابطه اسکان عشایر با متغیرهای وضعیت مرتع، ظرفیت مرتع، افزایش درآمد، و کاهش بیکاری و افزایش امکانات رفاهی و زیستی برای خانوارهاست.

رفیع‌فر و قربانی ریگ (۱۳۸۶)، با بررسی تغییرات فرهنگی عشایر تالش، به نتایج زیر رسیده‌اند: الف) با یکجانشین شدن عشایر، شکل سنتی مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی کاملاً متحول شده و دامداری از سنتی به صنعتی و نیز نوع معیشت از دامداری به مشاغل کشاورزی-خدماتی تغییر کرده است؛ ب) گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و افزایش آموزش‌های رسمی در میان عشایر منطقه در سطح نیازهای افراد (نوع پوشاک، نظام خانواده، باورها و سایر جلوه‌های فرهنگی) تغییر و تحولاتی عمیق را پدید آورده است.

نتایج ارزیابی اسکان در شصت کانون (۴۵ کانون هدایتی و پانزده کانون خودجوش) در ۲۲ استان کشور نشان می‌دهد که در زمینه‌های اجتماعی و کالبدی، اسکان باعث ارتقای بیش از نود درصد شاخص‌ها شده و سرانه‌های مختلف خدماتی رشد قابل توجه داشته است. در زمینه اقتصادی نیز اسکان باعث تغییر معیشت خانوارها از دامداری به زراعت و باغداری شده است (دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، ۱۳۹۱).

با بررسی و جمع‌بندی نتایج تحقیقات و مطالعات پیشین، می‌توان چنین نتیجه گرفت: ۱- با وجود نقش عشایر کوچنده در اقتصاد ملی و میراث‌داری فرهنگی آنها، به دلیل تنگناها و محدودیت‌های بوم‌شناختی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود بر سر راه این جامعه، اسکان عشایر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ ۲- سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده در طول پنج برنامه پنج‌ساله گذشته به‌طور جدی پیگیری و اجرا نشده، به‌گونه‌ای که سرعت اسکان بدون برنامه (خودجوش) بیش از اسکان هدایتی بوده است؛ ۳- تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در این خصوص در سطح کلان صورت گرفته و به مقتضیات این جامعه در سطوح محلی و منطقه‌ای توجه لازم نشده است؛ و ۴- ارزیابی‌های انجام‌شده که بیشتر در سطح کلان (ملی) صورت گرفته و نتایج آنها به کل جامعه عشایری کشور تعمیم داده شده است، نمی‌تواند مبنای سیاست‌گذاری برای این جامعه و آینده آن باشد.

بنابراین، با توجه به حقوق انسانی، تجارب و نقش انکارناپذیر جامعه عشایری در بهره‌برداری و تولیدات کشاورزی و مانند آن، ضرورت دارد که با روش‌های علمی، مختصات نظام موجود این جامعه در سطوح محلی و منطقه‌ای شناسایی شده، نقاط قوت و ضعف اقداماتی که تاکنون در زمینه اسکان عشایر انجام شده است، بررسی شود تا تصمیمات و اقدامات دست‌اندرکاران مرتبط با این جامعه مبتنی بر روش‌های متقن و علمی باشد. همچنین، از آنجا که به‌زعم متولیان، اسکان عشایر و اقدامات انجام‌شده در این خصوص در استان لرستان، توفیق قابل ملاحظه نداشته و یا حداقل مطابق با برنامه‌ها و

انتظارات پیش‌بینی شده تحقق نیافته است و همچنین، با عنایت بدین نکته که تاکنون ارزیابی مستقل در زمینه تأثیرات اسکان عشایر در این استان صورت نگرفته، انجام پژوهش حاضر ضرورت یافته است.

هدف اصلی تحقیق حاضر ارزیابی اثرات اجرای طرح اسکان عشایر در استان لرستان است؛ و بنابراین، اهداف مورد نظر آن عبارت‌اند از:

- ۱- ارزیابی تأثیر طرح اسکان بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای اسکان‌یافته شامل میزان درآمد، میزان اشتغال، نوع اشتغال، میزان زمین زراعی، و تعداد واحد دامی؛ و
- ۲- ارزیابی تأثیر طرح اسکان بر شاخص‌های اجتماعی خانوارهای اسکان‌یافته شامل میزان برخورداری از امکانات فرهنگی-اجتماعی، میزان برخورداری از امکانات بهداشتی-درمانی، میزان برخورداری از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای، و نرخ سواد.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر پیمایشی بوده و برای بررسی روایی پرسشنامه آن، از نظرات اصلاحی این دو گروه بهره‌گیری شده است: الف) متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی، و ب) مدیران و کارشناسان امور عشایر. برای سنجش اعتبار پرسشنامه نیز از روش آزمون مجدد^(۱) استفاده شده و ضریب بازنمایی پرسشنامه (۸۸ درصد) حاکی از اعتبار مناسب آن است. تحقیق حاضر از نوع ارزشیابی تأثیر بوده و در آن، از طرح ارزشیابی پس‌آزمون با گروه شاهد استفاده شده است. از این‌رو، جامعه آماری تحقیق دو طبقه را دربرمی‌گیرد: الف) خانوارهای اسکان‌یافته خودجوش و هدایتی، شامل ۲۹۲۵ خانوار اسکان‌یافته در ۵۴ کانون توسعه؛ و ب) خانوارهای کوچنده بیلاقی، شامل ۱۴۶۳۸ خانوار. بنابراین، برآورد حجم نمونه در هر دو طبقه به صورت مجزا و با استفاده از تحقیقات پیشین، به روش زیر انجام شده است:

الف) برآورد حجم نمونه برای عشایر کوچنده با استفاده از رابطه کوکران:

$$n = \frac{NZ^2pq}{Nd^2 + Z^2pq} = \frac{14638 \times (1/96)^2 \times 0/68 \times 0/32}{(14638 \times 0/07^2) + (1/96)^2 \times 0/68 \times 0/32}$$

$$= \frac{12236}{71/726 + 0/836} = \frac{12236}{72/562} \cong 169$$

ب) برآورد حجم نمونه برای عشایر اسکان یافته با استفاده از رابطه کوکران:

$$\frac{2925 \times (1/96)^2 \times 0/61 \times 0/39}{(2925 \times 0/07^2) + (1/96)^2 \times 0/61 \times 0/39} = \frac{2673}{14/332 + 0/914} = \frac{2673}{15/246} = 175$$

برای بالا بردن میزان اطمینان و جبران خطاهای نمونه‌گیری، حجم نمونه در هر طبقه به ۱۸۰ خانوار افزایش یافت. نمونه‌گیری در سال ۱۳۹۱ در هر دو جامعه به روش تصادفی طبقه‌بندی شده منظم (سیستماتیک) انجام شد.

به منظور توصیف اطلاعات جمع‌آوری شده، از جداول توزیع فراوانی، درصدها، و آماره‌هایی چون میانگین بهره‌گیری شد. همچنین، برای آزمون فرضیات، از آزمون‌های آماری پارامتریک (تی و اف) و ناپارامتریک (کای اسکور و فی) استفاده شد.

متغیرها و فرضیات پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

متغیر مستقل: نوع سکونت خانوار (شامل خانوارهای عشایر اسکان یافته، به‌عنوان گروه آزمایش، و خانوارهای عشایر کوچنده به‌عنوان گروه گواه).

متغیرهای وابسته: میزان درآمد، وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان زمین زراعی، تعداد واحد دامی، میزان برخورداری از امکانات فرهنگی - اجتماعی^(۲)، میزان برخورداری از امکانات بهداشتی - درمانی^(۳)، میزان برخورداری از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای^(۴)، و نرخ باسوادی.

- بین میزان درآمد عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

- بین نوع شغل عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین میزان زمین زراعی عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین تعداد واحد دامی عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین نرخ سواد عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از امکانات فرهنگی- اجتماعی عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از امکانات بهداشتی- درمانی عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای عشایر اسکان یافته و عشایر کوچنده تفاوت معنی دار وجود دارد.

نتایج و بحث

در اینجا، نتایج توصیفی و تحلیلی متغیرها و فرضیات، مطابق اهداف و روش تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲- نرخ باسوادی جمعیت «شش ساله و بیشتر» عشایر اسکان یافته و کوچنده

کل	نوع سکونت		وضعیت سواد
	کوچنده	اسکان یافته	
۷۵۳	۴۴۳	۳۱۰	تعداد
۳۶/۷	۴۳/۹	۲۹/۸	درصد فراوانی
۱۲۹۸	۵۶۶	۷۳۲	تعداد
۶۳/۳	۵۶/۱	۷۰/۲	درصد فراوانی
۲۰۵۱	۱۰۰۹	۱۰۴۲	تعداد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد فراوانی

$$\chi^2 = 44/2, df = 1, p < 0/01$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر پایه یافته‌های پژوهش در جدول ۲، نرخ باسوادی جمعیت شش‌ساله و بیشتر عشایر اسکان‌یافته ۷۰/۲ درصد و عشایر کوچنده ۵۶/۱ درصد بوده و از این‌رو، ۱۴/۱ درصد بیش از عشایر کوچنده است. همچنین، نرخ باسوادی مردان و زنان جامعه عشایری اسکان‌یافته هر کدام چهارده درصد بیش از عشایر کوچنده است.

جدول ۳- میانگین سال‌های تحصیل جمعیت «شش‌ساله و بیشتر» عشایر اسکان‌یافته و کوچنده

نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اسکان‌یافته	۱۰۴۲	۵/۲۸	۴/۸۶
کوچنده	۱۰۰۹	۴/۲۳	۴/۸۵

$$t = ۴/۸۹۵, df = ۲۰۴۷, p < ۰/۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین، مطابق جدول ۳، تفاضل میانگین سال‌های تحصیل جمعیت شش‌ساله و بیشتر نشان می‌دهد که این میانگین برای عشایر اسکان‌یافته (۵/۲۸ سال) نسبت به عشایر کوچنده (۴/۲۳ سال) ۱/۰۵ سال بیشتر است.

در این ارتباط، می‌توان گفت که در روستاهای محل سکونت ۹۵/۵ درصد عشایر اسکان‌یافته مدرسه ابتدایی، ۴۵/۱ درصد مدرسه راهنمایی و ۲۰/۴ درصد دبیرستان وجود دارد. به علاوه، با وجود وسیله نقلیه عمومی در روستای محل سکونت اسکان‌یافتگان، امکان استفاده فرزندان آنها از امکانات آموزشی روستاهای همجوار فراهم آمده است. اما فاصله ۲۲/۳ درصد عشایر کوچنده با مدرسه ابتدایی، ۵۵/۲ درصد با مدرسه راهنمایی و ۷۷ درصد با دبیرستان بیش از ده کیلومتر است و در واقع، امکان تحصیل فرزندان در کنار خانواده وجود ندارد. این موضوع و عدم دسترسی به وسیله نقلیه عمومی و مشکلات فرهنگی موجب شده است که ۲۲/۵ درصد افراد واجد شرایط در مقطع ابتدایی و ۳۷ درصد در مقطع راهنمایی ترک تحصیل کنند. بنابراین، اسکان عشایر موجب دسترسی بیشتر آنها به

امکانات آموزشی و در نتیجه، بهبود وضعیت سواد آنها شده است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش قائمی میرآباد (۱۳۸۴) تطبیق دارد.

جدول ۴- وضعیت اشتغال جمعیت فعال به تفکیک نوع سکونت

کل	نوع سکونت		وضعیت اشتغال
	کوچنده	اسکان یافته	
۵۳۳	۲۷۶	۲۵۷	تعداد شاغل
۷۲/۷	۷۵/۲	۷۰/۲	درصد
۲۰۰	۹۱	۱۰۹	تعداد بیکار جویای کار
۲۷/۳	۲۴/۸	۲۹/۸	درصد
۷۳۳	۳۶۷	۳۶۶	تعداد کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد

$$x^2 = ۰/۵۹۵ ، df = ۱ ، p > ۰/۲۰$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق یافته‌های جدول ۴، میزان اشتغال خانوارهای عشایری کوچنده پنج درصد بیشتر و میزان بیکاری آنها پنج درصد کمتر از خانوارهای اسکان یافته است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که نه تنها تفاوت معنی دار میان نوع سکونت و وضعیت اشتغال وجود ندارد، بلکه اسکان بر وضعیت اشتغال خانوارهای اسکان یافته تأثیر منفی داشته است.

شایان یادآوری است که هرچند، در مقایسه دو گروه عشایر اسکان یافته و کوچنده، میزان اشتغال گروه دوم برتری دارد، اما با تفکیک گروه دوم (به اسکان- یافته هدایتی و خودجوش)، در میزان اشتغال عشایر اسکان یافته هدایتی نسبت به دو گروه دیگر تغییری قابل ملاحظه به وجود می‌آید.

جدول ۵- وضعیت اشتغال جمعیت فعال به تفکیک نوع سکونت

کل	نوع سکونت			وضعیت اشتغال	
	کوچنده	اسکان یافته هدایتی	اسکان یافته خودجوش	تعداد	شاغل
۵۳۳	۲۷۶	۴۶	۲۱۱	تعداد	شاغل
۷۲/۷	۷۵/۲	۸۵/۲	۶۷/۶	درصد	
۲۰۰	۹۱	۸	۱۰۱	تعداد	بیکار جویای کار
۲۷/۳	۲۴/۸	۱۴/۸	۳۲/۴	درصد	
۷۳۳	۳۶۷	۵۴	۳۱۲	تعداد	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

$$\chi^2 = 9/448, df = 2, p < 0/01$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که ۶۷/۶ درصد جمعیت فعال عشایر اسکان یافته خودجوش، ۸۵/۲ درصد جمعیت فعال عشایر اسکان یافته هدایتی، و ۷۵/۲ درصد جمعیت فعال عشایر کوچنده شاغل و بقیه بیکار جویای کار بوده‌اند. بنابراین، میزان اشتغال در جامعه عشایری اسکان یافته هدایتی ۱۷/۶ درصد بیش از جامعه عشایری اسکان یافته خودجوش و ده درصد بیش از جامعه عشایری کوچنده است.

بنابراین، باید عامل مؤثر در تغییرات وضعیت اشتغال عشایر اسکان یافته را در تحول ایجادشده در نوع مشاغل خانوارهای اسکان یافته جست‌وجو کرد، خانوارهایی که عمری شیوه معیشت، مهارت و سرمایه آنها دامداری بود و اینک به یکباره باید خود را با شرایط کاری جدید انطباق دهند و از این‌رو، ممکن است با توجه به تجارب شغلی غیرمرتبط، توان مالی اندک برای سرمایه‌گذاری، خطرپذیری پایین و عدم آموزش، به مشاغل کاذب و موقت روی آورند.

جدول ۶- نوع شغل اصلی جمعیت شاغل به تفکیک نوع سکونت

کل	نوع سکونت		تعداد	نوع شغل اصلی
	کوچنده	اسکان یافته		
۵۶	۳	۵۳	تعداد	زراعت
۱۰/۵۲	۱/۰۹	۲۰/۶۲	درصد	
۶	۰	۶	تعداد	باغبانی
۱/۱۳	۰	۲/۳۳	درصد	
۴۲۸	۲۶۶	۱۶۲	تعداد	دامداری
۸۰/۴۵	۹۶/۷۳	۶۳/۰۴	درصد	
۴۲	۶	۳۶	تعداد	سایر مشاغل
۷/۸۹	۲/۱۸	۱۴/۰۱	درصد	
۵۳۲	۲۷۵	۲۵۷	تعداد	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

$$\text{Phi} = ۰/۴۲۷, p < ۰/۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق یافته‌های جدول ۶، میزان اشتغال اصلی شاغلان کوچنده در شغل دامداری بیش از ۱/۵ برابر اسکان‌یافتگان بوده و از طرف دیگر، اشتغال اصلی عشایر اسکان‌یافته در مشاغل زراعت، باغبانی و مشاغل خدماتی (معامله‌گری و پیشه‌وری، تراکتورداری، ماشین‌داری، و کارگری) بیش از عشایر کوچنده است. بنابراین، اسکان عشایر موجب افزایش سهم زراعت و باغبانی و کاهش سهم دامداری در اشتغال اسکان‌یافتگان شده است.

جدول ۷- میانگین میزان زمین زراعی و درآمد عشایر

شخص	نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اماره f	سطح معنی‌داری
میزان زمین آبی (هکتار)	اسکان یافته	۱۸۰	۱/۳۷	۲/۹	۵/۵۲۴	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۰/۱۵	۰/۷		
میزان زمین دیم (هکتار)	اسکان یافته	۱۸۰	۴/۷۳	۷/۷	۴/۰۲	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۲/۱۷	۳/۷		
میزان درآمد زراعت (هزار تومان)	اسکان یافته	۱۸۰	۲۴۴۳/۳	۳۷۵۵/۷	۴/۸۵۸	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۸۵۰/۱	۲۲۷۴/۳		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۷، پس از اسکان، میزان زمین زراعی (آبی و دیم) و درآمد زراعت عشایر اسکان یافته به گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است؛ این در حالی است که در راستای اسکان، هیچ‌گونه اراضی زراعی از طرف دولت به اسکان‌یافتگان واگذار نشده است؛ به‌ویژه نقش زراعت در درآمد خانوارهای اسکان‌یافته هدایتی بسیار پررنگ‌تر از عشایر اسکان‌یافته خودجوش بوده است.

جدول ۸- میانگین تعداد واحد دامی و درآمد دامداری عشایر اسکان‌یافته و کوچنده

شاخص	نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی‌داری
تعداد واحد دامی	اسکان‌یافته	۱۸۰	۷۹/۶۴	۷۷/۶	-۶/۹۰۹	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۱۵۹/۳۴	۱۳۳/۸		
درآمد دامداری (هزار تومان)	اسکان‌یافته	۱۸۰	۵۳۰۳	۶۶۹۸/۳	-۵/۸۳۳	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۱۱۵۹۶	۱۲۸۲۰/۷		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق یافته‌های جدول ۸، میانگین تعداد واحد دامی عشایر کوچنده حدود دو برابر تعداد واحد دامی عشایر اسکان‌یافته بوده و همچنین، میانگین درآمد حاصل از دامداری عشایر کوچنده ۱۱۸ درصد بیش از عشایر اسکان‌یافته است.

جدول ۹- میانگین مجموع درآمد عشایر اسکان‌یافته و کوچنده (هزار تومان)

مجموع درآمد (هزار تومان)	نوع سکونت	تعداد	میانگین	درصد	آماره t	سطح معنی‌داری
مجموع درآمد (هزار تومان)	اسکان‌یافته	۱۸۰	۹۳۸۹	۱۰۰	-۲/۶۴۶	۰/۰۰۹
	کوچنده	۱۷۹	۱۲۶۷۷	۱۰۰		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۹، میانگین مجموع درآمد سالانه عشایر کوچنده ۳۵ درصد بیش از عشایر اسکان‌یافته بوده و به‌نظر می‌رسد که در مقایسه این دو گروه از عشایر، اسکان تأثیر منفی بر درآمد خانوارهای اسکان‌یافته داشته است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، درآمد عشایر نیز با وضعیت اشتغال و به‌ویژه شیوه معیشت دآمداری آنها ارتباط دارد؛ از این‌رو، خانوارهایی که تا پیش از اسکان، کار و درآمدشان عمدتاً بر محور دآمداری استوار بوده، با بروز تحول در وضعیت اشتغال و ایجاد تغییر در نوع مشاغل آنها، درآمدشان کاهش یافته است. البته لازم به ذکر است که این موضوع بیشتر در مورد اسکان‌یافتگان خودجوش صادق است تا اسکان‌یافتگان هدایتی.

جدول ۱۰- مقایسه میانگین مجموع درآمد عشایر اسکان‌یافته و کوچنده

انحراف معیار	میانگین (هزار تومان)	تعداد	نوع سکونت
۹۶۷۴	۸۷۰۰	۱۵۵	اسکان‌یافته خودجوش
۱۱۰۳۹	۱۳۶۵۷	۲۵	اسکان‌یافته هدایتی
۱۳۳۲۷	۱۲۶۷۷	۱۷۹	کوچنده
۱۱۸۷۱	۱۱۰۲۸	۳۵۹	کل

$$F= ۵/۴۵۹, df= ۲, Sig.= ۰/۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۱۰، میانگین درآمد سالانه خانوارهای اسکان‌یافته هدایتی ۵۷ درصد بیش از اسکان‌یافتگان خودجوش و ۷/۸ درصد بیش از عشایر کوچنده است. بنابراین، هرچند، میانگین مجموع درآمد سالانه عشایر کوچنده بیش از عشایر اسکان‌یافته بوده (جدول ۹)، اما این کاهش درآمد مربوط به عشایر اسکان‌یافته خودجوش است (جدول ۱۰)، به‌گونه‌ای میزان درآمد عشایر بیش از آنکه تابعی از سکونت و کوچندگی باشد، به نوع اسکان برمی‌گردد. از این‌رو، اسکان هدایتی می‌تواند بر ابعاد اقتصادی- اجتماعی خانوارهای عشایری تأثیر مثبت داشته و در مقابل، چه‌بسا اسکان بدون برنامه (خودجوش)، حتی در مقایسه با عشایر کوچنده، پیامدهای منفی برای این‌گونه خانوارها به‌دنبال داشته باشد.

جدول ۱۱- میانگین درآمد عشایر اسکان یافته و کوچنده به تفکیک بخش اقتصادی (هزار تومان)

بخش اقتصادی	نوع سکونت	تعداد	میانگین	درصد	آماره t	سطح معنی داری
کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری)	اسکان یافته	۱۸۰	۷۹۰۱	۸۴/۲	۳/۷۸۲	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۱۲۴۵۳	۹۸/۲		
غیرکشاورزی (خدماتی و صنعتی)	اسکان یافته	۱۸۰	۱۴۸۸	۱۵/۸	۴/۴۷	۰/۰۰۰
	کوچنده	۱۷۹	۲۲۴	۱/۸		
مجموع درآمد	اسکان یافته	۱۸۰	۹۳۸۹	۱۰۰	-۲/۶۴۶	۰/۰۰۹
	کوچنده	۱۷۹	۱۲۶۷۷	۱۰۰		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۱۱، سهم بخش خدمات و صنعت در درآمد سالانه عشایر اسکان یافته ۱۵/۸ درصد و عشایر کوچنده ۱/۸ درصد بوده و از این منبع، درآمد سالانه عشایر اسکان یافته حدود ۵/۶ برابر عشایر کوچنده است؛ در نتیجه، اسکان موجب افزایش سهم بخش خدمات و صنعت در درآمد اسکان یافتگان شده است.

در این زمینه، باید گفت که با افزایش میزان سواد افراد به ویژه در مقاطع دانشگاهی، انتظارات افراد از فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل افزایش و رغبت به بعضی مشاغل از جمله دامداری کاهش می‌یابد. همچنین، یکی از عوامل مؤثر در فروش و یا کاهش تعداد دام خانوارها نداشتن نیروی انسانی و عدم همکاری فرزندان بیان شده است. سایر اطلاعات ارائه شده در زمینه اشتغال بیانگر تغییر مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی در نتیجه اسکان است. با آنکه در شیوه معیشت کوچندگی، نوع غالب مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی دامداری است، عشایر اسکان یافته به سمت زراعت و باغداری و مشاغل خدماتی روی می‌آورند و سهم این گونه مشاغل و فعالیت‌ها در اشتغال و درآمد خانوارهای اسکان یافته نسبت به دوره پیش از اسکان بیشتر می‌شود. با این حال، با یکجانشین شدن عشایر، تعداد واحد دامی

خانوارهای اسکان یافته به نصف و میزان درآمد آنها از دامداری به ۴۵ درصد کاهش یافته است؛ در مقابل، درآمد باغداری، زراعت و فعالیت‌های خدماتی به ترتیب ۲۱، ۲/۹ و ۶/۷ برابر شده است. با این همه، به دلیل محدودیت زمین زراعی (میانگین زمین آبی خانوارها ۱/۳۷ هکتار و دیم ۴/۷۳ هکتار)، با آنکه درآمد دامداری همچنان ۵۶/۵ درصد درآمد خانوارهای اسکان یافته را تشکیل می‌دهد، در مجموع، درآمد عشایر اسکان یافته کاهش یافته است.

نکته دیگر آنکه در مقایسه عشایر اسکان یافته خودجوش با هدایتی، تغییر فعالیت از دامداری به کشاورزی- خدماتی در بین اسکان یافتگان هدایتی بیشتر و نمایان‌تر است؛ به گونه‌ای که درآمد باغداری و زراعت گروه اخیر نسبت به اسکان یافتگان خودجوش به ترتیب ۱۵/۷ و ۲/۷ برابر بیشتر است و با توجه به اطلاعات ارائه شده، اسکان عشایر موجب افزایش درآمد اسکان یافتگان هدایتی و کاهش درآمد اسکان یافتگان خودجوش شده است. در این زمینه، می‌توان گفت که در اسکان هدایتی، اسکان در یک رابطه دوطرفه بین عشایر و اداره امور عشایر و با مشارکت عشایر صورت گرفته و البته بدین منظور، مطالعات مختلف و تا حدودی تدابیر لازم نیز اندیشیده شده است. همچنین، تجمع عشایر در یک روستا خدمات‌رسانی و ارائه آموزش‌های ترویجی و فنی بدانها را تسهیل می‌کند و سطح مهارت و آگاهی آنها را افزایش می‌دهد و از این رو، بهره‌برداری از منابع در اختیار به گونه‌ای مناسب‌تر صورت می‌گیرد؛ بنابراین، اسکان هدایتی نسبت به اسکان خودجوش موفق‌تر بوده است؛ همچنین، ارتباط عشایر با کارشناسان امور عشایر طی فرایند اسکان موجب ارتقای سطح آگاهی و مهارت عشایر در زندگی جدید شده است. بنابراین، یافته‌های رفیع‌فر و قربانی ریگ (۱۳۸۶) که اسکان عشایر در تالش را موجب تغییر معیشت از دامداری به مشاغل کشاورزی- خدماتی گزارش کرده‌اند و همچنین، یافته‌های توکلی و ضیاء‌توانا

(۱۳۸۸) که اسکان را موجب کاهش تعداد دام و افزایش بیکاری دانسته است، با نتایج تحقیق حاضر مطابقت دارند.

جدول ۱۲- میانگین تعداد شاخص‌های برخورداری خانوارها از امکانات فرهنگی و اجتماعی

نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اسکان یافته	۱۸۰	۴/۷۲	۱/۹۴
کوچنده	۱۷۹	۱/۹۸	۱/۹۱

$$t = ۱۳/۴۹۱, df = ۳۵۷, p < ۰/۰۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۱۲، از مجموع ده شاخص امکانات فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی، میانگین برخورداری عشایر اسکان یافته از این شاخص‌ها ۴/۷۲ (یعنی، در سطح متوسط) و عشایر کوچنده ۱/۹۸ (یعنی، در سطح محروم) است. به دیگر سخن، به استثنای شاخص برخورداری از کلاس‌های نهضت سوادآموزی (که امکان همراهی معلم با عشایر کوچنده وجود دارد)، در سایر شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی (که عموماً ثابت و در روستاها مستقرند)، میزان برخورداری عشایر اسکان یافته از امکانات یادشده بیش از عشایر کوچنده است.

جدول ۱۳- میانگین و تعداد شاخص‌های برخورداری خانوارها از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای

نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اسکان یافته	۱۸۰	۸/۵۲	۱/۹۷
کوچنده	۱۷۹	۵/۰۲	۲/۲۵

$$t = ۱۶/۹۸۲, df = ۳۵۷, p < ۰/۰۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۱۳، از مجموع پانزده شاخص امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای مورد بررسی، میانگین برخورداری عشایر اسکان‌یافته از این شاخص‌ها ۸/۵۲ (یعنی، در سطح متوسط) و عشایر کوچنده ۵/۰۲ (یعنی، در سطح نسبتاً محروم) است. به دیگر سخن، به استثنای شاخص‌های بیمه درمانی، بیمه محصولات کشاورزی و دامی، و برخورداری از تلفن همراه که بین عشایر کوچنده و اسکان‌یافته تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، در سایر شاخص‌های مربوط به امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای، میزان برخورداری عشایر اسکان‌یافته بیش از عشایر کوچنده است.

جدول ۱۴- میانگین تعداد شاخص‌های برخورداری خانوارها از امکانات بهداشتی و درمانی

نوع سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اسکان‌یافته	۱۸۰	۴/۸۸	۲/۰۳
کوچنده	۱۷۹	۲/۳۹	۱/۷۳

$$t = ۱۲/۵۱۲, df = ۳۵۷, p < ۰/۰۰۱$$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۱۴، از مجموع ده شاخص امکانات بهداشتی و درمانی مورد بررسی، میانگین برخورداری عشایر اسکان‌یافته از این شاخص‌ها ۴/۸۸ (یعنی، در سطح متوسط) و عشایر کوچنده ۲/۳۹ (یعنی، در سطح نسبتاً محروم) است. به دیگر سخن، شاخص‌های امکانات بهداشتی و درمانی عموماً متناسب با زندگی یکجانشینی است. عنایت به ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی و مختصات آنها (شهری، روستایی و ایلی) نشان می‌دهد که در اسکان، تنها تغییر شیوه معیشت خانوارهای اسکان‌یافته وافی به مقصود نیست، بلکه توسعه و بهبود زندگی و نیز استقرار و تثبیت آنها در گرو اشتغال پایدار و درآمد مناسب و دسترسی به خدمات ضروری و زیربنایی به‌همراه مکان‌یابی مناسب و به عبارت صریح، اسکان برنامه‌ریزی‌شده (هدایتی) است. یافته‌های پژوهش حاضر در سه جدول اخیر نشان می‌دهد که میزان برخورداری خانوارهای اسکان‌یافته نسبت به عشایر

کوچنده مناسب‌تر است، گرچه هنوز هم تا سطح شایسته و بایسته فاصله وجود دارد؛ با این همه، تداوم و تزیید این شرایط می‌تواند امنیت و آرامش روانی و اقتصادی و نیز انگیزه پیشرفت و امید به زندگی در میان اسکان‌یافتگان را فزونی بخشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده تأثیر مثبت اسکان عشایر بر نرخ باسوادی، میزان زمین زراعی، تعداد واحد دامی، نوع شغل، سطح برخورداری از امکانات فرهنگی-اجتماعی، سطح برخورداری از امکانات بهداشتی-درمانی، سطح برخورداری از امکانات رفاهی-خدمات بیمه‌ای خانوارهای عشایر اسکان‌یافته و اما تأثیر منفی اسکان بر وضعیت اشتغال و میزان درآمد آنها بوده است. هرچند، تأثیرات منفی عمدتاً مربوط به آن دسته از کسانی است که به‌طور خودجوش و غیرهدایتی اسکان یافته‌اند.

- بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر و مشاهدات میدانی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- ۱- با توجه به واقعیت‌های موجود و کاهش سهم کوچندگان از کل جمعیت کشور طی دهه‌های گذشته و نظر به علاقه‌مندی ۸۲/۷ درصد از عشایر کوچنده به اسکان، به نظر می‌رسد که حتی اگر کوچندگی از توجیه اقتصادی نیز برخوردار باشد، عشایر کوچنده به دلیل عدم برخورداری از مواهب نوین زندگی و دستاوردهای بشری (از جمله عدم دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی-درمانی و آموزشی و مشقات کوچندگی)، ناگزیر به تدریج اسکان می‌یابند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم برای اسکان عشایر در چارچوب نظام ملی ضروری می‌نماید.
 - ۲- از آنجا که اجرای سیاست اسکان عشایر در استان لرستان بر اشتغال و درآمد عشایر اسکان‌یافته خودجوش تأثیر منفی و بر اشتغال و درآمد عشایر اسکان‌یافته هدایتی تأثیر مثبت داشته، لازم است که اسکان هدایتی در دستور کار سازمان امور عشایر قرار گیرد و در صورت عدم امکان واگذاری اراضی زراعی و مرتعی به عشایر برای

اسکان هدایتی، به منظور بهره‌مندی از سایر مزایای این نوع اسکان، با توجه به منابع در اختیار عشایر (زمین زراعی و مالکیت) و وابستگی اجتماعی در منطقه بیلاق، میان‌بند و یا قشلاق، زمینه اسکان با برنامه برای عشایر فراهم شود.

۳- اطلاعات ارائه شده در تحقیق حاضر حاکی از آن است که اکثر قریب به اتفاق اسکان عشایر در استان لرستان به صورت خودجوش بوده و عشایر با توجه به منابع در اختیار خود در روستاهایی که وابستگی اجتماعی یا ملکی دارند، اسکان می‌یابند. برای نمونه، حدود شصت درصد عشایر اسکان یافته وام مسکن دریافت نکرده و از محل فروش دام‌های خود نسبت به ساخت و یا خرید مسکن اقدام کرده‌اند؛ در نتیجه، با توجه به بالا بودن هزینه ساخت و خرید مسکن، امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی از عشایر اسکان یافته سلب شده و یا حداقل کاهش یافته است. با توجه به مطالعات میدانی تحقیق حاضر، دلیل عمده اسکان خودجوش و عدم استفاده از تسهیلات مسکن، عدم اطلاع عشایر از تسهیلات و قوانین مربوط به اسکان است. بنابراین، شایسته است که اطلاع‌رسانی لازم در مورد اسکان و به‌ویژه اسکان هدایتی و روال و مزایای آن برای عشایر کوچنده به عمل آید.

۴- بر اساس اطلاعات ارائه شده، از جمله دلایل کاهش درآمد و اشتغال خانوارهای اسکان یافته عبارت‌اند از کاهش تعداد دام، عدم جایگزینی فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل جایگزین، و عدم بهره‌برداری بهینه از منابع در اختیار (نظیر زمین زراعی)؛ از این رو، شایسته است که آموزش‌های لازم در زمینه‌های مختلف پرورش گاو شیری، پرواربندی و کاشت علوفه ارائه شود و اجرای سیاست‌های حمایتی و تشویقی از قبیل اعطای تسهیلات بانکی برای ساخت اصطبل، خرید دام سنگین، و فراهم آوردن زمینه جمع‌آوری شیر تولیدی در دستور کار قرار گیرد.

۵- با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر بهره‌برداری سنتی حداقلی عشایر اسکان‌یافته از اراضی زراعی در اختیار، و حتی اجاره دادن زمین‌ها از سوی تعدادی از آنها، لازم است که تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی عشایر اسکان‌یافته مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین، با ارائه آموزش‌های فنی-ترویجی و مهارتی در زمینه‌های مختلف تولیدی و خدماتی، متناسب با ظرفیت و استعدادهای بالقوه محل‌های اسکان، هدایت و حمایت لازم از عشایر انجام شود.

۶- خدمات و اقدامات اجرایی (نظیر ارائه خدمات آموزشی، خدمات زیربنایی و عمرانی، واگذاری اراضی زراعی و مرتعی، آبی کردن اراضی زراعی، و اعطای تسهیلات بانکی مورد نیاز در ارتباط با اسکان عشایر) از حیثه اختیارات یک سازمان خاص خارج است؛ از این‌رو، مشارکت دستگاه‌هایی همچون صنایع و معادن و صنایع دستی، آموزش و پرورش، مسکن و شهرسازی، اداره کار، امور آب، منابع طبیعی، و جهاد کشاورزی ضرورت دارد. این موضوع در ماده پنج آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر نیز مورد توجه قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که این دستگاه‌ها موظف‌اند در بودجه سالانه خود اعتبارات لازم را برای اسکان عشایر پیش‌بینی کنند. بنابراین، شایسته است که اداره کل امور عشایر با هماهنگی استانداری، برنامه سالانه اسکان عشایر را به سایر دستگاه‌های مرتبط ابلاغ و زمینه مشارکت آنها را فراهم سازد و آنها را در ارتباط با وظایف سازمانی خود در مورد اسکان عشایر وظیفه‌مند و متعهد نماید.

یادداشت‌ها

1. test-retest method

۲- برای تعیین سطح برخورداری عشایر از امکانات فرهنگی و اجتماعی، از ده شاخص استفاده شد، که عبارت‌اند از: مدرسه ابتدایی، مدرسه راهنمایی، دبیرستان، نهضت سوادآموزی، رادیو، تلویزیون، روزنامه، نشریه‌های ترویجی، شورای اسلامی، و خانه ترویج (خلیلی، ۱۳۸۹). این شاخص‌ها به نسبت مساوی به

- ۵- برخوردار (خدایانه و بیک محمدی، ۱۳۸۸: ۳۵).
- ۳- برای تعیین سطح برخورداری عشایر از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای، از پانزده شاخص استفاده شد، که عبارت‌اند از: راه دسترسی مناسب، برق شبکه، آب آشامیدنی مناسب، تلفن ثابت، تلفن همراه، یخچال، کامپیوتر، ساختمان مناسب، بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی، بیمه محصولات کشاورزی، بیمه دام، جایگاه نفت، جایگاه گاز، و وسیله نقلیه عمومی (خلیلی، ۱۳۸۹). این شاخص‌ها به نسبت مساوی به پنج سطح (رتبه) بدین شرح تقسیم شد: ۱- محروم، ۲- نسبتاً محروم، ۳- متوسط، ۴- نسبتاً برخوردار، و ۵- برخوردار (خدایانه و بیک محمدی، ۱۳۸۸: ۳۵).
- ۴- برای تعیین سطح برخورداری عشایر از امکانات بهداشتی و درمانی، از ده شاخص استفاده شد، که عبارت‌اند از: آب آشامیدنی مناسب، دسترسی به خانه بهداشت، دسترسی به درمانگاه، دسترسی به بیمارستان، حمام مناسب، توالت بهداشتی، آشپزخانه مناسب، دفع فاضلاب بهداشتی، و امکانات بهداشت و درمان دام (خلیلی، ۱۳۸۹). این شاخص‌ها به نسبت مساوی به پنج سطح (رتبه) بدین شرح تقسیم شد: ۱- محروم، ۲- نسبتاً محروم، ۳- متوسط، ۴- نسبتاً برخوردار، و ۵- برخوردار (خدایانه و بیک محمدی، ۱۳۸۸: ۳۵).

منابع

- آقاسی‌زاده، فتح‌اله (۱۳۸۹)، «اسکان عشایر: تجارب و داده‌ها». *هفته‌نامه برنامه*، سال ۸، شماره ۳۶۲. اداره کل امور عشایر استان لرستان (۱۳۸۸)، *برنامه راهبردی استراتژیک سامان‌دهی عشایر استان لرستان در افق ۱۴۰۴*. خرم‌آباد: اداره مطالعات و برنامه‌ریزی.
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)، «کوچروی شبانی و محیط: بختیاری‌های زاگرس». ترجمه عباس سعیدی. *مجموعه مقالات ایران (شهر- روستا- عشایر)*. تهران: منشی.
- باقری، خدایار (۱۳۸۲)، *تعیین آثار اسکان بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان‌یافته در روستای عشایر کوله‌جاز از توابع شهرستان شوشتر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۲)، «ضرورت ارزیابی علمی برنامه‌های توسعه و وضعیت آن در ایران». *علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳ و ۴.

- توکلی، جعفر و ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۸۸)، «پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری». *روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۱.
- خدایانه، کیومرث و بیک محمدی، حسن (۱۳۸۸)، «ارزیابی و طبقه‌بندی مناطق روستایی بخش مرکزی اردبیل بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه». *فضای جغرافیایی*، سال ۹، شماره ۶.
- خلیلی، فاطمه (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر تغییر و تحولات شاخص‌های توسعه (نمونه موردی شهرستان‌های استان زنجان)». *جغرافیا و مطالعات محیطی*، سال ۱، شماره ۳، صص ۷۳-۸۴.
- دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، پژمان (۱۳۹۱)، «ارزیابی برنامه سامان‌دهی عشایر در کانون‌های توسعه». *فخایر انقلاب*، دوره جدید، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۵۷، صص ۹-۴۰.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و قربانی ریگ، رضا (۱۳۸۶)، «تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان (مطالعه موردی عشایر تالش در طول سه نسل)». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۱، صص ۵۷-۸۰.
- قائم‌میرآباد، میرطاهر (۱۳۸۴)، *اثرات اجتماعی و اقتصادی اسکان عشایر از نظر بهره‌برداران در استان آذربایجان غربی (مطالعه موردی: عشایر دشت شیبلو)*. ارومیه: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان غربی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸)، *نتایج سرشماری اقتصادی- اجتماعی عشایر کوچنده ایران*. تهران: مرکز آمار ایران.